

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۹۲

آیه ۵۷ - ۶۲

آیه و ترجمه

و لما ضرب ابن مریم مثلاً اذا قومک منه یصدون ۵۷
و قالوا اءلهتنا خیر اءم هو ما ضربوه لک الا جدلاً بل هم قوم خصمون ۵۸
ان هو الا عبد اءنعمننا علیه و جعلنه مثلاً لبنی اسرائیل ۵۹
و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکة فی الارض یخلفون ۶۰
و انه لعلم للساعة فلا تمترن بها و اتبعون هذا صراط مستقیم ۶۱
و لا یصدنکم الشیطان انه لکم عدو مبین ۶۲

ترجمه :

۵۷ - و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد قوم تو از آن می خندیدند (و مسخره می کردند).
۵۸ - و گفتند آیا خدایان بهترند یا او؟ (مسیح، اگر معبودان ما در دوزخند مسیح نیز در دوزخ است چرا که معبود واقع شده!) ولی آنها این مثل را

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۹۳

جدال برای تو نزدند، آنها گروهی کینه توز و پر خاشگروند.
۵۹ - او فقط بنده ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و نمونه والگوئی برای بنی اسرائیلش قرار دادیم.
۶۰ - و هر گاه بخواهیم بجای شما در زمین ملائکه ای قرار می دهیم که جانشین (شما) گردند.
۶۱ - و او سبب آگاهی بر روز قیامت است (نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است) هرگز در آن تردید نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.
۶۲ - و شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد که او دشمن آشکار شما است
شان نزول:

در سیره ابن هشام چنین آمده است: رسول خدا روزی با ولید بن مغیره در مسجد نشسته بود «نضر بن حارث» نیز آمد و در کنار آنها نشست، گروهی

از سران قریش نیز در مجلس بودند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با آنها سخن گفت، «نضر» به مقابله برخاست، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با دلائل منطقی (پیرامون بطلان بت پرستی) او را محکوم ساخت، سپس این آیه را بر آنها خواند «انکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون لو کان هؤلاء الهة ماوردوها و کل فیها خالدون...»:
 «شما و آنچه غیر از خدا می پرستید هیزم جهنم خواهید بود و همگی در آن وارد می شوید، اگر اینهاخدایان بودند هرگز وارد دوزخ نمی شدند، و همگی در آن جاودانه خواهند بود».
 بعد از این ماجرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از جابر خاست و رفت، در این هنگام «عبدالله بن زبیری» آمد و به آن جمع پیوست، «ولید» به «عبدالله» گفت: «نضر بن حارث» در مقابل محمد در مانده شد، و پاسخی نداشت بدهد، محمد گمان می کند ما و همه معبودهایمان هیزم دوزخیم!
 «عبدالله» گفت: به خدا سوگند اگر من او را می دیدم پاسخش را می دادم،

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۹۴

از او بپرسید آیا درست است که همه معبودان با عابدانشان در دوزخند؟ اگر چنین است ما فرشتگان را می پرستیم، و یهود عزیر را و نصاری عیسی بن مریم را (چه عیبی دارد که ما با فرشتگان و پیامبرانی چون عزیر و مسیح باشیم!).
 این پاسخ برای ولید و کسانی که در مجلس بودند جالب آمد، و معتقد بودند که دلیل دندان شکنی است، این سخن را خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتند، رسول الله فرمود: آری هر کس دوست داشته باشد که معبود واقع شود او هم با عابدانش در دوزخ خواهد بود، این بت پرستان در حقیقت شیاطین را می پرستیدند، و هر چیز را که شیطان به آنها دستور می داد.
 اینجا بود که آیه شریفه (سوره انبیاء - ۱۰۱) نازل شد ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها مبعدون: «کسانی که وعده نیکویی از قبل به آنها داده ایم (بندگان با ایمانی که هرگز راضی نبودند معبود واقع شوند) از آن دور نگه داشته می شوند»... و نیز آیه و لما ضرب ابن مریم مثلاً اذا قومک منه یصدون (آیه مورد بحث) نازل گردید.

تفسیر:

کدام معبودان در دوزخند؟

این آیات که پیرامون مقام عبودیت حضرت مسیح (علیه السلام) و نفی گفتار مشرکان درباره الوهیت او و بتها سخن می گوید تکمیلی است برای بحثهایی که در آیات گذشته پیرامون دعوت موسی و مبارزه او با بت پرستان فرعونی آمد، و هشدار است به مشرکان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و همه مشرکان جهان.

گر چه این آیات سر بسته سخن می گوید، ولی با قرائنی که در خود آیات و آیات دیگر قرآن وجود دارد محتوای آن علی رغم تفسیرهای گوناگونی که

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۹۵

مفسران ذکر کرده اند پیچیده نیست.

نخست می فرماید: «هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد قوم تو از آن می خندیدند و رویگردان می شدند» (و لما ضرب ابن مریم مثلاً اذا قومك منه يصدون).

این مثل چه بوده؟ و چه کسی آن را در مورد عیسی بن مریم بیان کرده است؟ این همان سؤالی است که در پاسخ آن میان مفسران گفتگو است، و کلید فهم تفسیر آیه نیز در آن نهفته است، ولی دقت در آیات بعد روشن می سازد که مثل از ناحیه مشرکان بوده، و در ارتباط بابتها بیان شده است، زیرا در آیات بعد می خوانیم: ما ضربوه لك الا جدلاً: «آنها این مثال را فقط از روی مجادله بیان کردند».

با توجه به این حقیقت و آنچه در شأن نزول آمده روشن می شود که منظور از مثال همانست که مشرکان به عنوان استهزاء به هنگام شنیدن آیه شریفه انکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم: شما و آنچه را غیر از خدا می پرستید هیزم دوزخید (انبیا - ۹۸) گفتند و آن این بود که عیسی بن مریم نیز معبود واقع شده و به حکم این آیه باید در دوزخ باشد چه بهتر که ما و بتهایمان نیز همسایه عیسی باشیم! گفتند و خندیدند و مسخره کردند!

سپس: «گفتند: آیا خدایان ما بهتر است یا مسیح»؟! (و قالوا، آلہتنا خیر ام هو).

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۹۶

هنگامی که او دوزخی باشد، خدایان ما که از او بالاتر نیستند!

ولی بدان آنها حقیقت را می‌دانند «و این مثل را جز از روی جدال برای تو نزده‌اند» (ما ضربه لک الا جدلاً).

«بلکه آنها گروهی کینه توز و پرخاشگرند»، و برای جلوگیری از حق به باطل متوسل می‌شوند (بل هم قوم خصمون).

آنها به خوبی می‌دانند تنها معبودانی وارد دوزخ می‌شوند که راضی به عبادت عابدان خود بودند، همچون فرعون که آنها را به عبادت خود دعوت می‌نمود، نه مانند مسیح (علیه السلام) که از عمل آنها بیزار بوده و هست بلکه او فقط بنده‌ای بود که ما نعمت خود را بر او ارزانی داشتیم و او را به نبوت و رهبری خلق مبعوث کردیم (ان هو الا عبد انعمنا علیه) و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم (و جعلناه مثلاً لبنی اسرائیل).

تولدش از مادر بدون پدر آیتی از آیات خدا بود، سخن گفتنش درگاهواره آیت دیگر، و معجزاتش هر یک نشانه بارزی از عظمت خداوند و مقام نبوت او بود.

او در تمام عمرش به مقام عبودیت پروردگار اعتراف داشت، و همه را به عبودیت او دعوت کرد، و همانگونه که خودش می‌گوید: «مادام که در میان امت بود اجازه انحراف از مسیر توحید به کسی نداد»، بلکه خرافه الوهیت مسیح (علیه السلام) یا تثلیث را بعد از او به وجود آوردند.

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۹۷

جالب اینکه در روایات متعددی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده می‌خوانیم که پیغمبر به علی (علیه السلام) فرمود: ان فیک مثلاً من عیسی، احبه قوم فهلکوا فیه، و ابغضه قوم فهلکوا فیه، فقال المنافقون اما رضی له مثلاً الا عیسی، فنزلت قوله تعالی و لما ضرب ابن مریم مثلاً اذا قومک منه یرصدون: «در تو نشانه‌ای از عیسی است، گروهی او را دوست داشتند (و آنچنان

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۹۸

غلو کردند که خدایش خواندند) و به همین جهت هلاک شدند، و گروهی او را مبعوض داشتند (همچون یهود که کمر به قتلش بستند) آنها نیز هلاک شدند، (گروهی نیز تو را به مقام الوهیت می‌رسانند، و گروهی کمر بر عداوت می‌بندند و هر دو دوزخی خواهند بود) هنگامی که منافقان این سخن را شنیدند از روی استهزا گفتند: آیا مثال دیگری برای او جز عیسی پیدا نکرد،

در این هنگام بود که آیه فوق نازل شد: و لما ضرب ابن مریم مثلاً... آنچه در بالا گفتیم متن روایتی است که حافظ ابوبکر بن مردویه از علمای معروف اهل سنت در کتاب مناقب (طبق نقل کشف الغمہ صفحه ۹۵) آورده است.

همین مضمون را با تفاوت مختصری میر محمد صالح کشفی ترمذی در مناقب مرتضوی آورده

جمعی دیگر از دانشمندان اهل سنت و علمای بزرگ شیعه در کتابهای متعددی این ماجرا را گاه بدون ذکر آیه فوق، و گاه با ذکر آیه نقل کرده‌اند. قرائن موجود در آیات نشان می‌دهد که این حدیث معروف از قبیل تطبیق است نه شائن نزول، و به تعبیر دیگر شائن نزول آیه همان داستان عیسی و گفتگوی مشرکان عرب و بسته‌های آنها است، اما چون ماجرائی شبیه آن برای علی (علیه السلام) بعد از آن گفتار تاریخی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روی داد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این آیه را در اینجا تلاوت فرمود که این ماجرا از جهات مختلفی همانند مصداق آن بود. در آیه بعد برای اینکه توهم نکنند خدا نیازی به عبودیت و بندگی آنها دارد که اصرار بر ایمانشان می‌کند می‌فرماید: «اگر ما بخواهیم بجای شما

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۹۹

فرشتگانی در زمین قرار می‌دهیم که جانشین شما باشند» (و لانشاء لجعلنا منکم ملائکة فی الارض یخلفون).

فرشتگانی که سر بر فرمان حق دارند، و جز اطاعت و بندگی اوکاری را نمی‌شناسند.

جمعی از مفسران تفسیر دیگری برای آیه برگزیده‌اند که بر طبق آن مفهوم آیه چنین است اگر ما بخواهیم فرزندان شما را فرشتگانی قرار می‌دهیم که جانشین شما در زمین گردند.

بنابر این تعجب نکنید که مسیح بدون پدر متولد گردد خداوند حتی قادر است فرشته را که نوع جداگانه‌ای است از انسان بیافریند.

و از آنجا که تولد فرشته از انسان چندان مناسب به نظر نمی‌رسد بعضی از مفسران بزرگ آن را به تولد فرشته صفتان تفسیر کرده‌اند، و گفته‌اند منظور این است تعجب نکنید بنده‌ای همچون مسیح قدرت بر زنده کردن مردگان و شفای بیماران به فرمان خدا داشته باشد و در عین حال بنده‌ای مخلص و

مطیع فرمان او باشد، خدا می‌تواند از فرزندان شما کسانی را بیافریند که تمام خلق و خوی فرشتگان را داشته باشند.
ولی تفسیر اول از همه با ظاهر آیه سازگارتر است، و این تفسیرها بعید به نظر می‌رسد.

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۰۰

آیه بعد اشاره به یکی دیگر از ویژگیهای حضرت مسیح (علیه السلام) است می‌فرماید: «او (عیسی) سبب آگاهی برروز قیامت است» (و انه لعلم للساعة).

یا از این جهت که تولد او بدون پدر دلیلی است بر قدرت بی‌پایان خداوند که مسأله زندگی بعد از مرگ در پرتو آن حل می‌شود.
و یا از این نظر که نزول حضرت مسیح (علیه السلام) از آسمان طبق روایات متعدد اسلامی در آخر زمان صورت می‌گیرد و دلیل بر نزدیک شدن قیامت است.

جابر بن عبدالله می‌گوید: از پیامبر شنیدم که می‌فرمود: ينزل عيسى بن مريم فيقول اميرهم تعال صل بنا، فيقول: لا، ان بعضكم على بعض امراء تكرمه من الله لهذه الامة: «حضرت عیسی نازل می‌شود و امیر مسلمانان (منظور از این امیر حضرت مهدی (عج) است به طوری که از احادیث دیگر استفاده می‌شود) می‌گوید: بیا تا با تو نماز بگذاریم، می‌گوید: نه بعضی از شما امام و امیر بعض دیگرید و این احترامی است که خدا برای این امت قائل شده (سپس مسیح به مهدی اقتدا می‌کند)

در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم که فرمود: كيف انتم اذا نزل فيكم ابن مريم و امامكم منكم چگونه خواهید بود هنگامی که فرزند مریم در میان شما نازل شود در حالی که امام شما از خود شما است.
به هر حال اطلاق کلمه «علم» بر حضرت مسیح یکنوع تاء کید و مبالغه است، اشاره به اینکه نزول او حتما از نشانه‌های رستاخیز است.
این احتمال نیز داده شده است که مرجع ضمیر در «انه» به «قرآن» بازگردد که بر طبق آن معنی آیه چنین می‌شود: نزول قرآن به خاطر اینکه آخرین کتب

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۰۱

آسمانی است دلیلی بر نزدیکی رستاخیز است، و از قیام قیامت خبر می‌دهد. ولی محتوای آیات قبل و بعد که درباره عیسی است تفسیر اول را تقویت می‌کند.

به هر حال به دنبال آن می‌فرماید: قیام قیامت قطعی است و وقوع آن نزدیک است و هرگز شک و تردید از ناحیه آن به خود راه ندهید (فلا تمترن بها). نه از نظر عقیده، و نه از نظر عمل همچون غافلان از قیامت رفتار نکنید. «و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است» (و اتبعون هذا صراط مستقیم).

چه راهی از این مستقیم‌تر که شما را از آینده خطرناکی که درپیش دارید با خبر می‌سازد، و راه نجات از خطرات را در روز بعثت به شما نشان می‌دهد؟ ولی شیطان می‌خواهد پیوسته شما را در غفلت و بی‌خبری نگهدارد، به هوش باشید شیطان شما را از راه خدا و از توجه به سرنوشتتان در رستاخیز باز ندارد، چرا که او دشمن آشکاری برای شما است (و لا یصدنکم الشیطان انه لکم عدو مبین).

او عداوت و دشمنی خود را از روز نخست یکبار به هنگام وسوسه پدر و مادران آدم و حوا و اخراج آنها از بهشت نشان داد، و بار دیگر به هنگامی که سوگند یاد نمود که همه فرزندان آدم جز مخلصین را گمراه خواهد ساخت، چگونه در برابر چنین دشمن قسم خورده‌های خاموش می‌نشینید، و به او اجازه می‌دهید که بر قلب و روح شما مسلط گردد، و با وسوسه‌های مداومش شما را از راه حق باز دارد؟!

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۰۲

آیه ۶۳ - ۶۵

آیه و ترجمه

و لما جاء عیسی بالبینات قال قد جئتکم بالحکمة و لابین لکم بعض الذی تختلفون فیه فاتقوا الله و اطيعون ۶۳

ان الله هو ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم ۶۴

فاختلف الاحزاب من بینهم فویل للذین ظلموا من عذاب یومئذ لیم ۶۵

ترجمه :

۶۳ - هنگامی که عیسی با دلایل روشن به سراغ آنها آمد گفت من برای شما حکمت آورده‌ام و آمده‌ام تا پاره‌ای از اموری را که در آن اختلاف دارید تبیین

کنم، تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمائید
۶۴ - خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، او را پرستش کنید که راه
راست همین است.

۶۵ - ولی گروههایی از میان آنها ظهور کردند که (درباره مسیح) اختلاف
نمودند و بعضی او را خدا پنداشتند وای بر آنها که ستم کردند از عذاب روز
دردناک.

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۰۳

تفسیر:

آنها که درباره مسیح غلو کردند

در آیات گذشته به گوشه‌ای از ویژگیهای زندگی حضرت
مسیح (علیه السلام) اشاره شد، و آیات بحث آن را ادامه می‌دهد، و مخصوصاً
روی دعوت حضرت مسیح به توحید خالص و نفی هرگونه شرک تکیه می‌کند.
نخست می‌فرماید: «هنگامی که عیسی با در دست داشتن بینات (معجزات و
آیات الهی) آمد، گفت: من برای شما حکمت آورده‌ام و آمده‌ام تا بعضی اموری
را که در آن پیوسته اختلاف دارید برای شما تبیین کنم» (و لما جاء عیسی
بالبینات قال قد جئتکم بالحکمة و لابیّن لکم بعض الذی تختلفون فیه).
به این ترتیب سرمایه عیسی «بینات» یعنی آیات الهی و معجزات بود که از
یکسو حقانیت او را تبیین می‌کرد، و از سوی دیگر حقایق مربوط به مبداء و معاد
و نیازهای زندگی بشر را.

در این عبارت حضرت مسیح (علیه السلام) محتوای دعوت خود را
«حکمت» توصیف می‌کند، و می‌دانیم ریشه اصلی «حکمت» به معنی
«جلوگیری کردن از چیزی به منظور اصلاح آن» است، و سپس به تمام
عقائد حق، و برنامه‌های صحیح زندگی که انسان را از هرگونه انحراف در
ایمان و عمل باز می‌دارد، و به تهذیب نفس و اخلاق او می‌پردازد، اطلاق
شده است، و به این ترتیب حکمت در اینجا معنی وسیعی دارد که هم «حکمت
علمی» را می‌گیرد و هم «حکمت عملی» را این حکمت علاوه بر اینها
هدف دیگری نیز به دنبال دارد و آن برطرف ساختن اختلافاتی است که وجود
آنها نظام جامعه را به هم می‌ریزد، و مردم را سرگردان و بیچاره می‌کند، و لذا
حضرت مسیح در متن سخنانش روی این مسأله تکیه می‌نماید.
در اینجا سؤالی مطرح است که غالب مفسران نیز به آن توجه کرده‌اند

و آن اینکه چرا می‌گوید: آمده‌ام که بعضی از اموری را که در آن اختلاف دارید تبیین کنم، چرا همه آن را تبیین نمی‌کند؟! از این سؤال جوابهای متعددی داده شده که از همه مناسبتر این است: اختلافاتی که مردم دارند دو گونه است: بخشهایی است که در سرنوشت آنها از نظر اعتقاد و عمل، و از نظر فرد و جامعه مؤثر است، در حالی که بخش دیگر اختلافاتی است در اموری که هرگز سرنوشت ساز نیست، مانند نظرات مختلفی که درباره پیدایش منظومه شمسی و آسمانها، و چگونگی افلاک و ستارگان، و ماهیت روح آدمی، و حقیقت حیات و مانند اینها روشن است انبیاء ماء‌موریت دارند که به اختلافات در بخش اول از طریق تبیین واقعیتها پایان دهند، ولی هرگز ماء‌مور نیستند که هر گونه اختلافی را هر چند تأثیری در سرنوشت آدمی نداشته باشد پایان دهند این احتمال نیز وجود دارد که تبیین پاره‌ای از اختلافات نتیجه و غایت دعوت انبیاء است یعنی آنها سرانجام موفق می‌شوند پاره‌ای از اختلافات را حل کنند، ولی حل همه اختلافات در دنیا امکانپذیر نیست، و به همین دلیل در آیات متعددی از قرآن مجید یکی از ویژگیهای قیامت را پایان گرفتن تمام اختلافات بیان می‌کند، در آیه ۹۲ - نحل می‌خوانیم: و لیبینن لکم یوم القیامة ماکنتم فیه تختلفون: «به طور مسلم در روز قیامت آنچه را در آن اختلاف داشتید برای شما تبیین می‌کند» (همین معنی در آیات ۵۵ آل عمران - ۴۸ مائده - ۱۶۴ انعام - ۶۹ حج، و غیر آن آمده است).

و در پایان آیه می‌افزاید: «اکنون که چنین است و محتوای دعوت من این است تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید» (فاتقوا الله و اطیعون) سپس برای اینکه هر گونه ابهامی را در زمینه عبودیت خود برطرف سازد می‌گوید: «به طور قطع خداوند پروردگار من و پروردگار شما است» ان الله هو ربی و ربکم. قابل توجه اینکه کلمه «رب» را دو بار در این آیه تکرار می‌کند، یکبار در مورد خود، و یکبار در مورد مردم، تا روشن سازد من و شما یکسانیم، و پروردگار شما و من یکی است.

من نیز در تمام وجود و هستیم همانند شما نیازمند به خالق و مدبری هستیم، او مالک من و راهنمای من است.

و برای تاءکید بیشتر اضافه می‌کند: «اکنون که چنین است او پرستش کنید» (فاعبدوه).

چرا که غیر او لایق پرستش نیست، همه مربوبند و او رب است، و همه مملو کند و او مالک.

باز هم سخن خود را با جمله دیگری تاءکید می‌کند تا جای هیچ‌بهبانه‌ای باقی نماند می‌گوید «این است صراط مستقیم» (هذا صراط مستقیم).

آری راه راست همان راه عبودیت و بندگی پروردگار است، راهی است که انحراف و اعوجاج در آن نیست، همانگونه که در آیه ۶۱ سوره یس آمده است: و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم: «آیا باشما عهد نکردم که مرا پرستش کنید

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۰۶

این است راه مستقیم».

اما عجب اینکه با اینهمه تاءکیدات باز هم در میان گروههای زیادی که بعد از عیسی (علیه السلام) پیدا شدند احزابی ظهور کردند که درباره عیسی اختلاف داشتند (فاختلف الاحزاب من بینهم)

بعضی او را خدا می‌پنداشتند که به زمین نازل شده!

بعضی دیگر فرزند خدایش می‌خواندند.

بعضی او را یکی از اقنومهای سه گانه (سه ذات مقدس اب و ابن و روح القدس) می‌دانستند.

تنها گروهی که در اقلیت بودند او را بنده خدا و فرستاده او می‌شمردند، ولی سرانجام عقیده اکثریت غالب شد و مسأله تثلیث و خدایان سه گانه جهان مسیحیت را فرا گرفت.

در این زمینه حدیث تاریخی جالبی نقل کرده که در جلد سیزدهم صفحه ۷۰ ذیل آیه ۳۶ سوره مریم آورده ایم.

این احتمال نیز در تفسیر آیه وجود دارد که اختلاف تنها در میان مسیحیان نبود، بلکه در میان یهود و پیروان مسیح در مورد او اختلاف در گرفت، پیروانش درباره او غلو کردند و او را به مقام الوهیت رساندند، در حالی که دشمنانش او و مادرش مریم پاکدامن را به بدترین اتهامات متهم ساختند، و اینگونه است راه و رسم جاهلان، گروهی در افراطند، و گروهی در تفریط، و

یا به گفته امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بعضی محب غال هستند و بعضی مبغض قال آنجا که فرمود: هلك فی رجلاں محب غال و مبغض قال: دو گروه دربارہ من ہلاک شدند

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۰۷

دوستان غلو کننده که مرا خدا پنداشتند، و دشمنان تهمت زننده که نسبتهای ناروا به من دادند!

و چه شباهت دارد حالات این دو بزرگوار!

در پایان آیه آنها را به عذاب دردناک روز قیامت تهدید کرده، می فرماید: «وای بر کسانی که ستم کردند، و از صراط مستقیم منحرف شدند، وای بر آنها از عذاب روز دردناک (فویل للذین ظلموا من عذاب یوم الیم).

آری روز قیامت روز دردناکی است، طول حسابش دردناک، عذاب و مجازاتش دردناک، حسرت و اندوهش دردناک، رسوائی و فضحتش نیز دردناک است.

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۰۸

آیه ۶۶ - ۶۹

آیه و ترجمه

هل ينظرون الا الساعة ان تاءتيهم بغتة و هم لا يشعرون ۶۶
الاخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقين ۶۷
يا عباد لا خوف عليكم اليوم و لا ائتم تحزنون ۶۸
الذين ءامنوا بايتنا و كانوا مسلمين ۶۹

ترجمه :

۶۶ - آنها چه انتظاری می کشند؟ جز اینکه قیامت ناگهان به سراغ آنها آید در حالی که خبر ندارند.

۶۷ - دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند مگر پرهیزگاران.

۶۸ - ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می شوید.

۶۹ - آنها که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند.

تفسیر:

در انتظار چه هستید؟ جز عذاب آخرت؟

در آیات پیشین سخن از بت پرستان لجوج، و همچنین منحرفان و مشرکان امت عیسی بود، و در آیات مورد بحث پایان کار آنها را مجسم می کند.

نخست می‌فرماید: «اینها چه چیزی را انتظار می‌کشند، جز اینکه ناگهان قیامت به سراغ آنها آید در حالی که متوجه نیستند»؟! (هل ينظرون الا الساعة ان تاتيهم بغتة و هم لا يشعرون).

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۰۹

این سؤال که به صورت استفهام انکاری طرح شده در حقیقت بیان حال واقعی اینگونه افراد است، مثل اینکه در مقام مذمت فردی که گوش به نصیحت هیچ ناصح مشفق نمی‌دهد و عوامل نابودی خود را به دست خویش فراهم می‌سازد می‌گوئیم: او تنها در انتظار مرگ خویش است! منظور از «ساعة» در این آیه مانند بسیاری دیگر از آیات قرآن روز قیامت است، چرا که حوادث آن به سرعت تحقق می‌یابد، و گوئی همه در یک ساعت رخ می‌دهد.

البته این کلمه گاهی به معنی لحظه پایان دنیا نیز آمده است، و از آنجا که این دو فاصله زیادی با هم ندارند ممکن است این تعبیر هر دو مرحله را شامل شود. به هر حال قیام قیامت که با پایان گرفتن ناگهانی دنیا شروع می‌شود به دو وصف در آیه فوق توصیف شده است نخست همین ناگهانی بودن آن است (بغتة)، و دیگر عدم آگاهی عموم مردم از زمان وقوع آن می‌باشد. ممکن است چیزی ناگهانی رخ دهد ولی قبلا انتظار آن را داشته باشیم و برای مقابله با مشکلات آن آماده شویم، اما بدبختی آنجاست که حادثه فوق العاده سخت و کوبنده‌ای به طور ناگهانی واقع شود و ما از آن به کلی غافل باشیم. حال مجرمان درست اینگونه است، چنان غافلگیر می‌شوند که طبق بعضی از روایات از پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم): تقوم الساعة و الرجلان یحلبان النعجة، و الرجلان یطویان الثوب، ثم قراء (صلی الله علیه و آله و سلم): هل ينظرون الا الساعة تاتيهم بغتة و هم لا يشعرون: فرمود: «قیامت به طور ناگهانی رخ می‌دهد در حالی که (هرکس به کار زندگی خویش مشغول است) مردانی مشغول دوشیدن گوسفندانند، و مردان دیگری مشغول گستردن پارچه (و گفتگو برای خرید و فروش) سپس حضرت آیه فوق

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۱۰

را تلاوت فرمود هل ينظرون الا الساعة تاتيهم بغتة و هم لا يشعرون.

و چه دردناک است که انسان در برابر چنین رخدادی که هیچ راه بازگشت ندارد اینچنین غافلگیر گردد و بدون هیچگونه آمادگی در امواج آن فرو رود. سپس از حالت دوستانی که در مسیر گناه و فساد، و یا زرق و برق دنیا، دست مودت به هم می دهند پرده برداشته می گوید: همه دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند مگر پرهیزگاران! (الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین). این آیه که توصیفی از صحنه های قیامت است به خوبی نشان می دهد که منظور از ساعت در آیه قبل نیز روز رستاخیز است، روز از هم گسستن پیوندهای دوستی، مگر پیوندهائی که برای خدا و به نام خدا برقرار شده است. تبدیل شدن اینگونه دوستیها به عداوت در آن روز طبیعی است، چرا که هر کدام از آنها دیگری را عامل بدبختی و بیچارگی خود می شمرد: تو بودی که این راه را به من نشان دادی و مرا به سوی آن دعوت کردی، تو بودی که دنیا را در نظر من زینت دادی و مرا به آن تشویق نمودی، آری تو بودی که مرا غرق غفلت و غرور ساختی و از سرنوشت بیخبر کردی، هر یک از آنها به دیگری اینگونه مطالب را می گوید.

تنها پرهیزگارانند که پیوند دوستی آنها جاودانی است، چرا که بر محور ارزشهای جاودانی دور می زند، و نتایج پربارش در قیامت آشکارتر می شود و آن

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۱۱

را استحکام بیشتری می بخشد.

طبیعی است که دوستان در امور زندگی کمک یکدیگرند اگر دوستی بر اساس شر و فساد باشد شریک در جرم یکدیگرند، و اگر بر اساس خیر و صلاح باشد شریک در پاداش یکدیگر می باشند، بنابراین جای تعجب نیست که دوستی از قسم اول در آنجا تبدیل به دشمنی گردد، و از قسم دوم به دوستی محکمتر. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: الا کل خلة كانت فی الدنیای غیر الله عز و جل فانها تصیر عداوة یوم القيامة: «بدانید هر دوستی که در دنیا برای خاطر خدا نباشد در قیامت تبدیل به عداوت و دشمنی می شود».

آیه بعد در حقیقت تفسیری است برای اوصاف و حالات متقین و بیانی است از سرنوشت پرافتخار آنها.

در آن روز خداوند به آنها می گوید: «ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شما است، و نه غم و اندوهی خواهید داشت» (یا عباد لا خوف علیکم الیوم و لا انتم تحزنون).

چه پیام جالبی؟! پیامی بدون واسطه از سوی خداوند، پیامی که باب‌هترین توصیفها آغاز می‌شود، ای بندگان خدا! پیامی که مهمترین نگرانی انسان را در آن روز پرنگرانی زائل می‌کند، پیامی که هرگونه غم و اندوه از گذشته را از دل می‌زداید، آری این پیام دارای چهار مزیت بالا است.

در آخرین آیه مورد بحث این پرهیزگاران و بندگان گرامی را با دو جمله دیگر مشخصتر ساخته، می‌فرماید: «همانها که به آیات ما ایمان آوردند و در برابر فرمان و دستور ما تسلیم بودند» (الذین آمنوا بآیاتنا و کانوا مسلمین).

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۱۱۲

آری آنها هستند که به چنان خطاب پرافتخاری مخاطب و مشمول چنان نعمتهائی می‌شوند.

در حقیقت دو جمله فوق تعریف گویائی از اعتقاد و عمل آنهاست، ایمان مبانی استوار اعتقادی آنها را روشن می‌سازد، و اسلام تسلیمشان را در عمل در برابر فرمان حق و اجراء دستورات او.

